

ضرورت تحول در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

دکتر نعمت‌اله متین
عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت

کلیدواژه‌ها: آموزش فنی و حرفه‌ای، تحول، اشتغال، بازار کار.

کار می‌نماییم.

مطابق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله باید ۲/۵ درصد از رشد ۸ درصدی اقتصاد کشور، حاصل از ارتقای بهره‌وری باشد که متأسفانه اهدافمان با واقعیات فاصله دارند.

سرعت علم و پیشرفت آن در بعضی از کشورها برای همه ما محسوس است. جایگاه ما در این سرعت و پیشرفت، مناسب و شایسته نیست. این جایگاه را اصولاً آموزش و پرورش تعیین می‌کند. آموزش و پرورش باید جلوتر از زمان حرکت کند، زیرا برای آینده تربیت می‌کند. آموزش و پرورش در کشور ما نه فقط با زمان حرکت نمی‌کند، که از زمان هم عقب مانده است! مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ما ریشه‌اش در آموزش و پرورش است و به نظر نگارنده ضرورت و اهمیت تحول در آموزش و پرورش امری حتمی و جدی است.

برای فراگیر نمودن آموزش و پرورش با کیفیت و نوآور نمودن آن و رسیدن به اهداف سند بیست ساله کشور باید گام‌های محکم و سریع، با دقت و جدیت برداشته شود. مدیریت دانش محور به سادگی در حوزه‌های مختلف ایجاد نمی‌شود. آموزش‌ها باید خود را با شرایط جهانی شدن وفق دهند. بنابراین لازم است در جای‌جای آموزش و پرورش تحول ایجاد شود. یکی از این ایستگاه‌ها حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است.

افزایش جمعیت فعال کشور، با توجه به ساختار جمعیتی و رشد نرخ بیکاری در کشور، هم‌چنین وجود

آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل، نیروی کار چین را بزرگ‌ترین ثروت این کشور قلمداد می‌کند، ثروتی که در حال حاضر در کشور ما به‌وفور یافت می‌شود. اما چرا به‌جای بهره‌برداری از این ثروت گران‌بها، همواره با مشکل اشتغال‌زایی و بهره‌وری نیروی کار روبه‌رو هستیم؟ با اندکی تأمل در اوضاع اقتصادی چین و با توجه به تأثیر بحران جهانی بر اقتصادهای قدرتمند دنیا، می‌بینیم که توان مدیریت اقتصادی این کشور که ناشی از تکامل نیروی کار، سرمایه و مدیریت آن است، چین را به سکاندار اقتصاد جهان تبدیل کرده است. امروزه دغدغه اصلی کشورهای دنیا، چگونگی افزایش تولیدات با استفاده از انواع ابزارها و اهرم‌های تکنولوژیکی و مدیریتی و بهره‌گیری از منابع انسانی کارآمد است؛ موضوعی که در کشور ما جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است.

یقیناً اگر برنامه‌ریزی‌های کشور بر توسعه منابع هماهنگ و همگام با کیفیت نیروی انسانی پایه‌گذاری می‌شد، اکنون با این نرخ فزاینده بیکاری تحصیل‌کردگان روبه‌رو نبودیم. البته دلیل آن هم کاملاً روشن است؛ زیرا ما همواره نیروی کار کشورمان را بدون بررسی‌ها و نیازسنجی‌های شغلی-برخلاف کشورهای نظیر ژاپن که سالانه میلیون‌ها دلار صرف مطالعات و امکان‌سنجی‌های شغلی نیروی کارشان می‌کنند- وارد دانشگاه و سپس بازار

دانش آموختگان (فارغ التحصیلان) بیکار برخی رشته‌های دانشگاهی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را بیشتر از گذشته به اهمیت ارائه آموزش‌های متناسب با نیازهای جامعه و ایجاد تعادل در توزیع امکانات و فرصت‌های آموزشی متوجه می‌نماید.

ضرورت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

یکی از مناسب‌ترین راه‌حل‌های مشکلات اشتغال، رشد و توسعه کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش است. هرچه کیفیت آموزش‌های کاربردی و مهارتی غنی‌تر و تنوع رشته‌ها با سیاست‌های توسعه کشور هماهنگ‌تر باشد، جذب دانش آموختگان در مشاغل مرتبط بیش‌تر و انحراف شغلی آن‌ها کم‌تر می‌شود.

بنابراین لازم است این‌گونه آموزش‌ها از لحاظ ساختار، محتوا و کیفیت متحول شوند و با نیازهای اشتغال و نیازهای منطقه‌ای و جهانی همخوانی داشته باشند و به موازات تغییرات سریع و وسیع فناوری، خود را با این دگرگونی‌ها هماهنگ‌سازند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای عامل مهمی در تربیت نیروی انسانی ماهر و کارآمد است. به‌طوری که سازمان یونسکو معتقد است، آموزش فنی و حرفه‌ای باید بخش مکمل نظام آموزشی همه‌جانبه باشد، از این‌رو باید به محتوای فرهنگی آن توجه کافی شود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید همگام با آموزش عمومی شخصیت و منش فرد را نیز پرورش دهد.

امروزه به بخش آموزش و اثرات آن از دیدگاه‌های مختلف نگریسته می‌شود. از یک دیدگاه کلی، اثرات آموزش از دو جنبه رشد فردی و رشد اجتماعی قابل بررسی است. بنابراین، از جنبه‌های اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد.

آنچه مسلم است تعداد زیادی از افراد، گذشته از برخورداری از اثرات فردی و تربیتی آموزش، (به‌خصوص آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارودانش) به آن به‌منزله ابزاری برای رسیدن به شغلی مناسب می‌نگرند. واقعیت این است که در بررسی انگیزه‌های روی آوردن دانش‌آموزان به تحصیل، به‌ویژه در بعد آموزش‌های رسمی، دستیابی به مشاغل مناسب، از جمله انگیزه‌های غالب آن‌ها در تحصیل به‌شمار می‌آید.

از سوی دیگر، عده‌ای عقیده دارند که صرف کردن وقت برای آموزش‌های رسمی بلندمدت چنانچه بدون برنامه‌ریزی و آینده‌نگری باشد، فرصت‌های شغلی و

زمانی افراد را از آن‌ها سلب می‌نماید. به‌خصوص اخیراً که دانش‌آموختگان حوزه فنی و حرفه‌ای فرصت‌های شغلی مناسبی پیدا نمی‌کنند، این عقیده ملموس‌تر شده است. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده می‌کند و یا کارایی و توانایی او را در انجام وظایف مربوط به شغل و حرفه، افزایش می‌دهد. در نظام جدید آموزش متوسطه، یکی از اهداف مهم شاخه فنی و حرفه‌ای ایجاد زمینه مناسب جهت هدایت دانش‌آموزان به سمت اشتغال مفید است.

آموزش فنی و حرفه‌ای باید بخش مکمل نظام آموزشی همه‌جانبه باشد؛ از این‌رو باید به محتوای فرهنگی آن توجه کافی شود

انتظار می‌رفت که برنامه جدید آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این نظام، بتواند در برقراری ارتباط و هماهنگی با نیازهای بازار کار و به تبع آن اشتغال مفید و مؤثر دانش‌آموختگان، به‌ویژه در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دختران عمل نماید. اما پژوهش‌های به‌عمل آمده در این ارتباط نتایج دیگری را ارائه می‌دهند.

با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش‌های انجام‌شده، مشخص شده است:

- اکثر دانش‌آموختگان در مشاغل غیر مرتبط با رشته‌های تحصیلی خود اشتغال دارند؛
- هماهنگی بین نوع رشته تحصیلی و نیاز بازار کار در بسیاری از موارد وجود ندارد؛
- براساس اظهارات کارفرمایان، بعضی از دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های لازم را برای تصدی مشاغل مربوطه ندارند.
- اکثر دانش‌آموختگان بیان داشته‌اند مهارت‌های کسب‌شده در هنرستان در اشتغال آنان تأثیر قابل توجهی نداشته است.

آنچه در ادامه این مقاله می‌آید به دنبال آن است که برای پرسش‌های زیر پاسخ مناسب تهیه کند:

- چالش‌های حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کدام‌اند؟
 - موانع ارتباط آموزش فنی و حرفه‌ای با بازار کار چیست؟
 - چه تحولاتی در این حوزه لازم است؟
- درخصوص چالش‌های حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بحث بسیار است، که در این‌جا فرصت تحلیل آن‌ها نیست،

فنی و حرفه‌ای است. هم‌چنین سایر اسناد، از قبیل سند ملی آموزش و پرورش، در این خصوص می‌توانند راه‌گشا باشند.

سند چشم‌انداز در افق ایران ۱۴۰۴ ویژگی‌های جامعه ایرانی را ترسیم نموده است. در این چشم‌انداز دانش‌آموزان ایرانی باید از دانش پیشرفته برخوردار و در تولید، علم و فناوری توانا و متکی بر خود به عنوان سرمایه اصلی تولید متکی بر خود باشند تا از این طریق کشور ما بتواند در سطح منطقه و در جهان به رتبه‌های علمی مناسب برسد.

ارتباط با بازار کار مهم‌ترین ویژگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است و محوری است که تمام مؤلفه‌های نظم آموزش فنی و حرفه‌ای بر گرد آن مشکل می‌پذیرند

توصیه‌های بین‌المللی در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز وضعیت مطلوبی را برای کشورها رقم می‌زند و تأمل برانگیز است. در این توصیه‌ها به مشارکت فعال زنان و مردان در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بسیار اشاره شده است، از جمله: رابطه آموزش؛ دنیای کار و جامعه به‌عنوان یک رابطه اساسی، تلفیق مناسب فنی و حرفه‌ای در آموزش عمومی برای کلیه سطوح تحصیلی، در دسترس بودن آموزش فنی و حرفه‌ای برای همگان، سازگاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تغییرات سریع فناوری، روش‌های ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مشارکت بخش خصوصی و دولت در ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اولویت دادن به توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، توجه دادن به استانداردهای بین‌المللی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تضمین کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و... که ذکر و بیان کلیه آن‌ها در این مقاله امکان‌پذیر نیست.

در خصوص موانع ارتباط آموزش فنی و حرفه‌ای با بازار کار، باید به دو طرف عرضه و تقاضای نیروی کار در بازار توجه نمود. دو طرف عرضه باید به موضوعات آموزش فنی و حرفه‌ای و موانع توسعه آن و هم‌چنین به برنامه‌های کیفی‌سازی آن توجه نمود. در خصوص طرف تقاضا باید بازار اشتغال و موانع آن در اقتصاد کشور را بررسی نمود.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا چه حد موفق بوده است؟
همه از آموزش و پرورش این پرسش را دارند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تا چه حد موفق است؟

اما می‌توان عمده‌ترین عوامل بازدارنده موفقیت برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای را به شرح زیر بیان نمود:

- ناهماهنگی رشته‌های فنی و حرفه‌ای با فناوری‌های جدید؛
- نابه‌سامانی وضعیت اقتصادی و در نتیجه بازار کار؛
- نبودن هماهنگی میان نیازهای جامعه و برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- نبود نهاد سیاست‌گذار در سطح ملی به منظور مشخص نمودن چشم‌انداز حوزه فنی و حرفه‌ای؛
- مناسب نبودن ساختار بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی برای آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- مشکل سرمایه‌گذاری در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- پایین بودن منزلت اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گرایش جوانان به ورود به دانشگاه.
- ضعف فرهنگ پژوهش و ارزش‌یابی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- پی نبردن جامعه به اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به‌خصوص درک ناقص دولت در این زمینه؛
- ضعف در آموزش عمومی و پایه؛
- ضعف مبانی نظری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛
- ابهام درباره مراحل و مکان‌های مناسب برای آموزش فنی و حرفه‌ای؛
- رعایت نکردن اصل واقع‌بینی در تدوین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید همگام با آموزش عمومی، شخصیت و منش فرد را نیز پرورش دهد

چالش‌های فوق از عمده‌ترین مسائل موجود در فنی و حرفه‌ای کشور است. لازم است به تناسب هر مسئله اقدامات لازم انجام شود:

برای ایجاد تحول در این بخش، که امری ضروری است، باید وضع مطلوب را ترسیم نمود و اهداف و چشم‌اندازها را در مراحل مختلف تعیین کرد و با در دست داشتن یک برنامه استراتژیک پاسخ‌گوی مسائل شد. اولین اقدام در این خصوص توجه به اسناد بالادستی، به‌خصوص چشم‌انداز بیست‌ساله است. اقدام دیگر توجه به اسناد و توصیه‌های فجایع بین‌المللی در مورد آموزش‌های

از آن جایی که این آموزش‌ها از یک طرف به آموزش و پرورش و از سویی به بازار کار مربوط است، موفقیت در آن نیز منوط به این است که بازار کار در کشور ما چه قدر آماده پذیرش و استقبال از آموزش دیده‌هاست. هر جا که ارتباط بین بازار کار و آموزش به خوبی برقرار شده، نتیجه کار رضایت‌بخش بوده است، و بالعکس، اما باید گفت این ارتباط یک ارتباط تعریف‌شده و مستحکم نیست. اینک به نکاتی چند در طرف تقاضا و به عبارت دیگر اشتغال و بازار کار اشاره می‌شود. تجربه کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه، بهره‌گیری بهینه از سرمایه‌های مادی و انسانی ضرورت دارد. ایران کشوری است که از منابع طبیعی ارزشمند و نیروی کار فراوان برخوردار است ولی به سبب نقش مهم نفت در تأمین نیازهای ارزی کشور، نرخ مشارکت جمعیت

در نیروی کار ایران که طبیعتاً دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای نیز جزو آن هستند در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه پایین است.

درآمد بالای حاصل از صدور نفت خام، صنایع سرمایه‌بر و کاراندوز را ایجاد کرد و

تقاضا برای نیروی کار را پایین نکه داشت.

به منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای ایجاد اشتغال، باید ویژگی‌ها و تحولات نیروی کار را بررسی کرد که در این جا ممکن نیست. نیروی انسانی در اقتصاد ایران طی سه دهه گذشته نشان داده است از جنبه‌های مختلفی چون نرخ‌های اشتغال و بیکاری و نرخ مشارکت و بهره‌وری نیروی کار در بخش‌های مختلف اقتصاد وضعیت مناسب نداشته و در عین حال بسیار پایین است. هم‌چنین کاهش نرخ مشارکت و بار تکفل نرخ پس‌انداز و توان اشتغال‌زایی اندکی دارد و بیش‌ترین قدرت جذب سرمایه انسانی به بخش خدمات مربوط می‌شود. علاوه بر موارد فوق توزیع فضای نامتعادل اشتغال نیز از دیگر مشکلات بازار کار در ایران است.

برای ریشه‌آبی و بررسی علل بیکاری، باید به مجموعه

درهم تنیده‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و نظایر آن‌ها اشاره کرد که هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارند. بیکاری فزاینده سبب نگرانی لایه‌های گوناگون جامعه به‌ویژه دانش‌آموختگان جوان شده است. دولت برای ایجاد تحولی مثبت در شرایط نامطلوب بازار کار از سیاست‌های حمایتی گوناگون پیروی کرده است تا فرصت‌های شغلی را افزایش دهد. به همین منظور در دو دهه گذشته بخش چشم‌گیری از بودجه دولت به منظور اشتغال‌آفرینی هزینه شده است، هر چند در عمل به راه‌هایی افتاده که به پدید آمدن فرصت‌های شغلی پایدار نینجامیده است.

برای حل کلان مسئله بیکاری و ایجاد اشتغال، اراده مردم و عزم بالاترین مقام‌های تصمیم‌گیرنده کشور، همراه با داشتن برنامه جامع و چندجانبه و پذیرفتن برخی تغییرات و تحولات قانونی و اداری راه‌گشا خواهد بود.

از جمله عامل مدیریتی، بازرگانی خارجی، نظام قضایی، نظام بانکی، سرمایه‌گذاری خارجی، تولید و صنعت، توسعه نیروی انسانی و گسترش عقلانیت در جامعه، ایجاد نظام مناسب اقتصادی، ترویج فرهنگ متناسب با فرایند توسعه، ارتقای

سطح تخصصی و فناوری‌ها و تشدید انباشت سرمایه‌ها در کشور از متغیرهایی هستند که باید در کوتاه‌مدت و بلندمدت مد نظر مسئولان و مجریان قرار گیرند.

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران ارتباط با بازار کار است. تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم، این آموزش‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت، تا آن‌جا که اکنون آموزش و پرورش در بسیاری از کشورها، به‌ویژه جوامع صنعتی، در جهت برآوردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی در حرکت است.



برای فراگیر نمودن آموزش و پرورش با کیفیت و نوآور نمودن آن و رسیدن به اهداف سند بیست ساله کشور باید گام‌های محکم و سریع، با دقت و جدیت برداشته شود

امروزه ملت‌ها سخت در تلاش‌اند تا با ایجاد نظام‌های آماده‌سازی افراد برای اشتغال، منابع خود را مورد استفاده بهینه قرار دهند. درحقیقت همه افراد حتی مردم کشورهای در حال توسعه به شرطی می‌توانند در بازار کار رقابت کنند که در کاربرد تکنولوژی‌های نوین از مهارت‌های تخصصی برخوردار باشند (گرت لوز، ۱۳۷۸).

در ایران، اولین نظام رسمی آماده‌سازی افراد برای اشتغال در سال ۱۲۶۸ هجری قمری بنا شد. وجود تنگناها و مشکلات متعدد در نظام آموزشی کشور، به‌خصوص بی‌توجهی آن به نیازهای جامعه و دانش‌آموزان، ضرورت تحول در آموزش و پرورش را فراهم آورد و برای این تحول شورای تغییر نظام آموزش و پرورش شکل گرفت.

ضرورت ارتباط نظام‌مند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بازار کار

نظام جدید، که حاصل فعالیت شورای تغییر نظام است، شاخه‌گردانش و فنی‌و حرفه‌ای را به مسئولان و مجریان نظام آموزشی توصیه نمود و سمت‌گیری عمده آن آماده کردن جوانان مستعد کشور برای اشتغال مفید بود. بنابراین ارتباط با بازار کار مهم‌ترین ویژگی آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای است و محوری است که تمام مؤلفه‌های نظم آموزش فنی‌و حرفه‌ای بر گردن آن شکل می‌پذیرند.

ارتباط آموزش‌گیرنده نظام آموزش فنی‌و حرفه‌ای و بازار کار یک ارتباط خطی نیست بلکه ارتباطی نظام‌مند (سیستماتیک) است که در آن تمام اجزا کنش و ارتباط متقابل با یکدیگر را تجربه می‌نمایند. آموزش فنی‌و حرفه‌ای در ایران هم در قالب رسمی و هم غیررسمی عرضه می‌شود. هم‌چنین، بخش قابل توجهی از منابع در بخش‌های دولتی و غیردولتی برای ارائه این آموزش‌ها به‌کار گرفته می‌شود. با این وجود مطالعات و پژوهش‌های مختلف از اثربخشی پایین این آموزش‌ها حکایت دارند. به‌عبارت دیگر هدف و فلسفه وجودی آموزش‌های یاد شده در ایران محقق نگردیده است. ارتباط ناکافی و کیفیت آموزش‌ها دو مقوله هستند که در مجموعه مسائل و مشکلات نظام آموزش

فنی‌و حرفه‌ای مهم‌ترین چالش را پیش‌روی این نظام به‌وجود آورده‌اند.

ارتباط نداشتن آموزش فنی‌و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار یا تقاضای بنگاه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی از آن‌جا ناشی می‌شود که رشته‌ها و تخصص‌ها و مهارت‌هایی عرضه شده دو بازار کار فاقد تقاضا هستند یا با وجود تقاضا با طرح ملاحظات منطقه‌ای، جنسیتی، سطوح مهارت و... بیش‌تر نیز خواهد شد.

در صورت وجود تقاضا، بحث کیفیت مورد نیاز کارفرما از دیگر مقوله‌هایی است که آموزش فنی‌و حرفه‌ای باید نسبت به آن حساس باشد. خروج از این وضعیت و حرکت برای تحقق اهداف نظام مستلزم طرح‌ریزی و پی‌گیری سیاست‌هایی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در برنامه چهارم توسعه کشور مطرح گردیده‌اند و اکنون جای بحث آن‌ها نیست.

هم‌اکنون آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای نسبت به آموزش متوسطه کشور حدود ۳۶ درصد است. اگرچه این کمیت با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رابطه دارد، اما هزینه‌های مترتب بر این نسبت هزینه کمی نیست. باید در جهت کارآمدی این‌گونه آموزش‌ها قدم‌های مؤثری برداشت و تحولات جهانی می‌طلبد که آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای تغییر یابد.

از طرف دیگر اعتبارات هزینه‌ای و مصرف‌شدنی مرتبط با این هزینه‌ها باید اقتصادی باشد و فایده آن دیده شود. باید دانش‌آموختگان فنی‌و حرفه‌ای مشکلی از مشکلات مملکت را پاسخ‌گو باشند. باید آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای بر بنیاد و پایه علمی بنا نهاده شود. به همین دلیل است که تحول در این حوزه از ضروریات است. هر اقدامی که برای توصیف وضع موجود آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای، بیان تهدیدها و فرصت‌های ناظر برای آموزش‌ها و اتخاذ تدابیر مناسب‌تر برای اشتغال دانش‌آموختگان این حوزه به عمل آید بسیار پسندیده است.

از مطالعات و یافته‌های پژوهشی و سایر شواهد درمی‌یابیم که وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان شاخه‌گردانش و فنی‌و حرفه‌ای چندان رضایت‌بخش نیست. پیش‌بینی می‌شود با استمرار شرایط موجود، این وضعیت باز هم بدتر شود. موفقیت برنامه‌گردانش و فنی‌و حرفه‌ای وابسته به این است که رابطه‌ای نظام‌دار میان بازار کار و نظام آموزشی برقرار شود تا نظام آموزش فنی‌و حرفه‌ای

بتواند از نیازهای کمتی و کیفی بازار کار بازخوردهایی به روز و تفصیلی دریافت کند.

برای ریشه‌ابی و بررسی علل بیکاری، باید به مجموعه درهم تنیده‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و نظایر آن‌ها اشاره کرد که هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارند

راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس نیازهای جامعه صورت نمی‌گیرد

با این وجود راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان براساس نیازهای جامعه صورت نمی‌گیرد و راهنمایان تحصیلی برای دخالت دادن نیازها، بازار کار و هدایت تحصیلی دانش‌آموزان معیار و الگوی مشخصی در اختیار ندارند. حتی نظام آموزش و پرورش برنامه‌ای برای شناسایی نیازهای بازار کار ندارد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش بیکار هستند یا در مشاغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی خود به کار گرفته می‌شوند. برای مثال یافته‌های پژوهشی شکوهی، ۱۳۶۹، مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی آموزشی ۱۳۶۷، حسینی نسب ۱۳۶۹، میرحسینی ۱۳۷۱، فرشاد ۱۳۷۴، نویدی ۱۳۷۴، مرادی ۱۳۷۷، حق پرست ۱۳۷۷، جلالی پور ۱۳۷۹، متین ۱۳۸۹، نشان می‌دهند که کشور ما بین برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و نیازهای بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی، هماهنگی کافی ندارد. هم‌چنین میان مراکز آموزشی و اشتغال هیچ‌گونه پیوند نظام‌داری به وجود نیامده است.

با مراجعه به گزارش‌های رسمی برخی از مسئولان ذی‌ربط، از موفقیت نسبی برنامه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش سخن گفته می‌شود که جای بحث دارد. در صورتی که تحصیل در شاخه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش امکان اشتغال مناسب دانش‌آموختگان را در این حوزه افزایش ندهد فایده عملی برنامه آموزش‌های مهارتی و فنی مورد تردید قرار می‌گیرد، که به نظر نگارنده این اتفاق رخ داده است.

از طرف دیگر، تأکید بر مهارت‌آموزی در دوره متوسطه و گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای درون‌آموزشگاهی، رویکردی است که در کشورهای پیشرفته جهان ارزش خود را از دست داده و منسوخ شده است و به جای این‌گونه

آموزش‌ها به پرورش عوامل زمینه‌ساز و تقویت ویژگی‌های غیر فنی (خصلت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مناسب بازار کار) فراگیران آموزشی فنی و حرفه‌ای تأکید می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد آموزش‌های مهارتی شاخه کار و دانش و فنی و حرفه‌ای روز به روز مشروعیت عملی خود را از دست می‌دهند و مسئولان و مجریان را با پرسش‌های فراوانی روبه‌رو می‌دهند و آن‌ها را به چالش جدی و ایجاد تحول فرامی‌خوانند. از مجموع اسناد موجود و یافته‌های پژوهشی می‌توان استنباط کرد که وضعیت کلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط با اشتغال و بازار کار مناسب نیست زیرا توانایی‌های کسب شده توسط دانش‌آموختگان از کفایت لازم برای انجام وظایف شغلی خود برخوردار نیستند و اجرای برنامه‌های درسی به دلیل محدودیت‌های ناشی از کمبود تجهیزات، نیروی انسانی و فضای لازم، عملاً وجود ندارد.

در پایان امید می‌رود که با درک شرایط موجود و مطالعه عمیق و استفاده از اسناد، بسستر رشد و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فراهم گردد تا از این طریق بتوان به رشد اقتصاد کشور کمک نمود.

منابع

۱. نفیسی، عبدالحسینی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قرن بیست و یکم، ترجمه پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲.
۲. معدن‌دار، عباس و دیگران، آموزش و توسعه، مباحث نوین در اقتصاد آموزش، نشر نی، تهران، ۱۳۸۸.
۳. مجموعه چکیده‌های نخستین همایش، علوم انسانی و چالش‌های اقتصاد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۴. مجموعه چکیده‌های همایش ملی آموزش و پرورش و رشد آموزش‌های نظری و مهارتی، فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران، ۱۳۸۶.
۵. اکبری، نرگس، ارتباط میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیازهای بازار کار داخلی و منطقه‌ای، همایش ملی آموزش و پرورش و رشد آموزش، تهران، ۱۳۸۶.
۶. متین، نعمت‌الله، جهانی شدن و تعلیم و تربیت، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۷.
۷. استفاده از منابع موجود در کتابخانه پژوهشکده تعلیم و تربیت بانک پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها.
۸. مجموعه چکیده‌های پژوهش در حوزه فنی و حرفه‌ای، جلد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹.